



Research article

Research in Comparative Literature (Arabic and Persian Literature)

Razi University, Vol. 10, Issue 2 (38), Summer 2020, pp. 1-18

The Function and Frequency of Color in Child Poetry by Suleiman Isah and Mustafa Rahmandoust

Atefeh Beyki¹

Graduated Student of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Hakim Sabzevari, Sabzevar, Iran

Hojjatollah Fesanghari²

Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies University of Hakim Sabzevari, Sabzevar, Iran

Received: 11/06/2018

Accepted: 04/23/2020

Abstract

The color is one of the most influential elements of poetry; the child poets by using imagery and symbolism of Color, paint the world for children, from their perspective, and they help their intellectual, spiritual and social development, hence, this article explains the importance of color in illustrating the child poetry, it examined the frequency and function of the element of color in child poetry by Suleiman Isah and Mustafa Rahmandoust. The results show that green color is the most frequent color in the poetry of both poets, they use the softness and freshness of the green color, they use a positive attitude that induces growth, fertility, goodness and blessing for society, and the future of children. Both poets are aware that children, because of their joyful spirit, they prefer a variety of gauges that fit together well, they have used color combinations; this feature has a higher frequency in Rahmandoust poetry. Both poets use the colors correctly, and suitable for psychological analysis of colors. Their similar implications for the use of the color element are the signs of both poets' awareness of importance and purpose of child poetry and their special focus is on familiarizing children with ethical, and patriotic and national concepts and values.

Keywords: Comparative Literature, Color, Child's Poetry, Semantic Function, Suleiman Isah, Mustafa Rahmandoust.

1. **Email:**

beikya69@gmail.com

2. **Corresponding Author's Email:**

h.fesanghari@hsu.ac.ir



کاوش نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشگاه رازی، دوره دهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۳۹۹، صص. ۱-۱۸

کارکرد و بسامد رنگ در شعر کودک سلیمان عیسی و مصطفی رحماندوست

عاطفه بیکی^۱

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

حجت اله فسقوری^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۴

دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۵

چکیده

عنصر رنگ از مهم ترین عناصر آفرینش تصاویر هنری در شعر است. شاعران کودک با استفاده از معانی نمادین رنگ‌ها، از چشم‌انداز خود، دنیا را برای کودکان ترسیم و به رشد فکری، روحی و اجتماعی آن‌ها کمک می‌کنند؛ از این رو پژوهش حاضر با تبیین اهمیت رنگ در تصویرگری شعر کودک، بسامد و کارکرد عنصر رنگ را در شعر کودک سلیمان عیسی و مصطفی رحماندوست را بررسی کرده است؛ نتایج نشان داد رنگ سبز پر بسامدترین رنگ در اشعار دو شاعر است که با بهره‌گیری از طراوت آن، نگرش مثبت القاکننده رویش، باروری و برکت را برای کودکان آینده‌ساز به‌نمایش می‌گذارند. هردو شاعر با آگاهی از تأثیر تنوع رنگ‌ها بر روح شاد کودکان، از ترکیب رنگ‌ها استفاده کرده‌اند که در شعر رحماندوست از بسامد بالاتری برخوردار است؛ استفاده درست و مناسب هردو شاعر از رنگ‌ها، متناسب با تحلیل روان‌شناختی و دلالت‌های مشابه در بهره‌گیری از رنگ، نشان از آگاهی دو شاعر از اهمیت و اهداف شعر کودک و توجه ویژه آنان به آشناساختن کودکان با ارزش‌های دینی، اخلاقی و ملی - میهنی دارد.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، رنگ، شعر کودک، کارکرد معنایی، سلیمان عیسی، رحماندوست.

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

عرصه شعر از آنجا آغاز می‌شود که با حقیقت واقع، قطع رابطه صورت گیرد؛ این عرصه تا بی‌نهایت ادامه دارد و برای نمایش آن، عناصر متفاوتی به کار گرفته می‌شود؛ کاربرد رنگ و بهره‌گیری متفاوت از آن در شعر، گونه‌ای نماد و رمز به‌شمار می‌آید که وجه تمییز آن، ابهام در معنی و غیر مستقیم‌بودن دلالت آن است؛ بدین معنی که مقصودی فراتر از آنچه از ظاهر برمی‌آید، منظور است. نظریه‌پردازان این حوزه، بر این باورند که «شعر، از دیگر هنرها جداست و در حقیقت، جلوه‌ای از احوال روحی است.» (سیدحسینی، ۱۳۷۶:

۵۴۵)

با بررسی تاریخچه رنگ‌ها در ادبیات، به این نکته می‌توان دست‌یافت که حوزه رنگ‌ها، حوزه‌ای ناشناخته بوده است. «با گسترش دامنه واژگان، شکوفایی ذوق و قریحه شاعران و تغییر نیاز نسل‌ها، مسئله کارایی رنگ‌ها مطرح و تنوع و فراوانی آن‌ها موجب شد که رنگ واژگان به‌عنوان عنصری مفید و قابل توجه، جایگاه خود را در میان واژگان شعری بیابند و به‌عنوان گسترده‌ترین حوزه محسوسات انسانی در تصویرهای شاعرانه سهم عمده‌ای ایفا کنند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۶: ۲۷۴)

رنگ‌ها با گذر از مرزهای ظاهری معنا، در طول زمان، معانی رمزی یافته‌اند. این ابهام و چندلایه‌بودن معانی در رنگ‌هاست که بدان زیبایی بخشیده و موجب شده تا مخاطب با کشف روابط و معانی پنهان آن، از اثر هنری لذت برده و تحت تأثیر آن قرار بگیرد که این «اثرگذاری بر مخاطب، یکی از اهداف شاعر در به‌کارگرفتن رنگ‌ها در شعر است.» (انصاری، ۱۳۸۹: ۳۲۷)

عنصر رنگ یکی از تأثیرگذارترین عناصر بر روی تفکر و خلاقیت کودکان است؛ از رنگ می‌توان همچون ابزاری در خدمت رشد فکری و خلاقیت کودکان استفاده کرد. نقش رنگ بیش از همه با عواطف و احساسات کودک نزدیکی دارد و بیش از هر چیز، حسی و برانگیزاننده است؛ عنصر رنگ در تصویرسازی کتاب کودک و در جذب روند یادگیری کودکان نیز نقش به‌سزایی دارد و شیوه و سبک تصویرگری را که ممکن است باعث ایجاد عدم درک و ایجاد اشکال در بیان داستان شود، می‌توان بارنگ‌ها تا حد زیادی برطرف نمود و ارتباط کودکان را با شعر بیشتر کرد؛ کودک به‌وسیله رنگ، مشتاق دنبال کردن شعر و داستان تا انتها می‌شود و داستان و شعر، کودک را درگیر خود کرده و باعث ایجاد واکنش در کودک می‌شود. با آگاهی از این موضوع، شاعران موفق و توانای شعر کودک با ایجاد فضای شعری جذاب و برانگیزاننده حس کنجکاوی، مفاهیم و معانی مورد نظر خود را به کودکان انتقال می‌دهند؛

سلیمان عیسی^(۱) و مصطفی رحماندوست^(۲) دو شاعر سوری و ایرانی در عرصه شعر کودک هستند که در آفرینش تصاویر شعری خویش بر عنصر رنگ تکیه کرده‌اند. وجود اشتراک‌های در اندیشه دو شاعر و توجه آن‌ها به کودک، موجب شد که موضوع بسامد و کارکرد رنگ مبتنی بر تحلیل روان‌شناختی در شعر دو شاعر، بررسی شود.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

از آنجا که کودکان امروز، آینده فردای هر جامعه‌ای را می‌سازند، تربیت و آموزش اصولی، صحیح و درست آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ از یک سو پژوهشگران علوم تربیتی و روان‌شناسی کودکان و از سوی دیگر پژوهشگران حوزه ادبیات کودک، به‌شکلی تعاملی، در پی یافتن راهکارهایی برای برقراری ارتباطی مؤثرتر با این مخاطب خاص برای ایجاد لذت در کودک، در کنار تأمین خواسته‌های تکاملی و تعالی‌بخش خود هستند.

ادبیات کودک، به‌ویژه شعر کودک، به‌دلیل آهنگین بودن و سادگی حفظ برای کودکان، نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کند؛ زیرا از رهگذر شعر می‌توان، ارزش‌ها، باورهای دینی و مذهبی، وطن‌دوستی و... را از همان دوران کودکی در وجود کودکان نهادینه کرد. در این میان، عنصر رنگ، یکی از عناصری است که به جذابیت و اثربخشی شعر کودک می‌افزاید و شاعر کودک با بهره‌گیری درست از آن می‌تواند در مسیر رشد و تکامل فکری و ذهنی کودک گام‌های مؤثری بردارد و ذهن کودک را نسبت به دنیای پیرامون فعال‌تر و آگاه‌تر سازد.

بررسی و تحلیل عناصر شعر کودک، از جمله رنگ، به معرفی شاعران موفق حوزه ادبیات کودک و جایگاه آثار آنان در ساختن آینده جامعه می‌انجامد؛ برای مثال با بررسی آثار شاعرانی دلسوز و دغدغه‌مند نسبت به مسائل فرهنگی و تربیتی کودک؛ همچون عیسی و رحماندوست که شعرشان زیبایی‌های زبانی و موسیقایی دارد، می‌توان به اهمیت نقش شاعر کودک و اشعارش در زمینه آموزش مسائل اخلاقی، فرهنگی، دینی، تربیتی و در نهایت رشد و تعالی جامعه پی برد.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- اهداف و کارکرد رنگ در شعر کودک سلیمان عیسی و مصطفی رحماندوست چگونه است؟
- فراوانی استفاده از رنگ‌ها در شعر دو شاعر به چه میزان است؟
- کدام‌یک از دو شاعر در تصویر آفرینی از طریق رنگ‌ها موفق‌تر بوده است؟

۱-۴. پیشینه پژوهش

درباره شعر کودک مصطفی رحماندوست و سلیمان عیسی تاکنون پژوهش‌های مختلف و ارزنده‌ای

صورت پذیرفته است که برخی از این پژوهش‌ها می‌تواند به‌عنوان پیشینه در نظر گرفته شود: اکبرپور (۱۳۹۴)، گونه‌های شعر کودکان سبک شعری سلیمان عیسی را در *دیوان الأطفال* بررسی کرده است. عسگری (۱۳۹۴) مضامین طبیعت‌گرایانه از جمله پدیده‌های طبیعی و حیوانات را در *دیوان الأطفال* سلیمان عیسی را بررسی کرده است. اسکویی و خانی‌پور (۱۳۹۵)، شیوه‌های زبانی و ادبی مصطفی رحماندوست را در آفرینش تصاویر اشعار آموزش‌محور کودکان و چگونگی اثرگذاری تصاویر تخیلی و ادبی موجود در این اشعار را تبیین کرده‌اند.

عسگری (۱۳۹۴)، مؤلفه‌های شعر کودک را در *دیوان الأطفال* عیسی بررسی کرده و به مضامین اخلاقی و تربیتی، ملی‌گرایی و ارزش‌های تربیتی اشاره کرده است. حاجی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) اشعار تعلیمی سلیمان عیسی را در حوزه ادبیات کودک تحلیل کرده و مسائل آموزشی، تربیتی، فرهنگی و ملی را در اشعار عیسی بررسی کرده‌اند. صادق‌زاده و زارع بیدکی (۱۳۹۲)، اصلی‌ترین ویژگی‌های زبانی، تصویرآفرینی و شیوه‌های روایی را در بیست مجموعه شعری مصطفی رحماندوست بررسی کرده‌اند. همان‌طور که دیده شد، درباره تحلیل رنگ و جایگاه آن در شعر کودک به‌صورت عام و در شعر این دو شاعر به‌طور خاص هیچ پژوهشی صورت پذیرفته است.

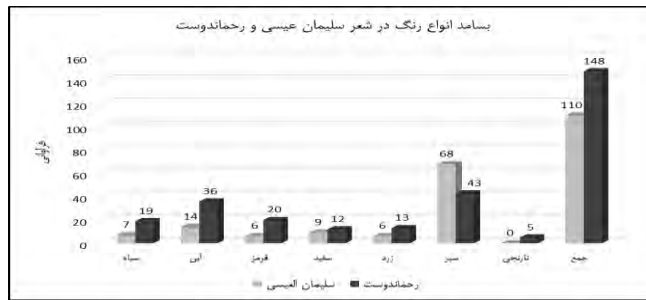
۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

این مقاله با تبیین اهمیت رنگ در تصویرگری شعر کودک به‌دنبال آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، بسامد و کارکرد عنصر رنگ در شعر کودک سلیمان عیسی و رحماندوست را بررسی کند؛ در این راستا، اشعار مورد مطالعه از *دیوان الأطفال* سلیمان عیسی و مجموعه‌های شعری مصطفی رحماندوست، با عناوین چشمه نور، گل و لبخند و سلام، فصل بهار بنویس، بابا آمد نان آورد، سه قدم دورتر شد از مادر و پاییزی‌ها انتخاب شده است.

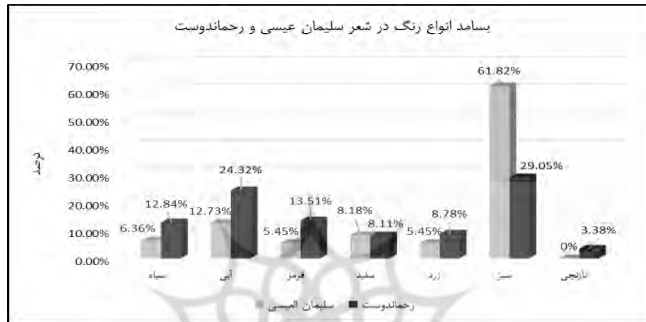
۲. پردازش تحلیلی موضوع

۱-۲. بسامد انواع رنگ‌ها در شعر عیسی و رحماندوست

بی‌تردید عیسی و رحماندوست، از مقوله رنگ و تأثیر آن بر آرایش کلام غافل نبوده و در استفاده از آن به‌عنوان یکی از عناصر تصویرپردازی به جنبه‌های رمزی آن توجه داشته‌اند. این دو شاعر با بهره‌گیری از رنگ‌ها در شعر کودک از یک‌سو به‌دنبال ایجاد جذابیت برای کودکان و ازسوی دیگر انتقال مفاهیم، معانی و پیام‌های مورد نظر خود به کودکان هستند. در این بخش با ارائه نمودار فراوانی رنگ‌ها، محتوای رنگ در شعر دو شاعر بررسی و تحلیل می‌شود:



نمودار (۱). فراوانی انواع رنگ در شعر سلیمان عیسی و مصطفی رحماندوست



نمودار (۲). درصد فراوانی انواع رنگ در شعر سلیمان عیسی و مصطفی رحماندوست

۱-۱-۲. کارکرد انواع رنگ در شعر عیسی و رحماندوست

۱-۲-۲. رنگ سبز

رنگ سبز، نمادی برای حاصلخیزی، رویش، باروری و زندگی است (ر.ک: ابوعون، بی تا: ۴۸). ادراک حسی این رنگ، طعم «گس» دارد و محتوای عاطفی آن غرور است؛ کسی که سبز را اول انتخاب می کند، مایل به تأثیر گذاشتن در محیط پیرامون خویش است (ر.ک: لوشر^۱، ۱۹۷۱: ۸۵). این رنگ، یکی از رنگ‌هایی است که در جهان بیشتر از بقیه رنگ‌ها دیده می شود و به عنوان سمبل شفقت، مهربانی و متعادل بودن روح، روان و رفتار به شمار می رود و همچنین «عامل وحدت، هم‌دلی و هم‌سوئی، صلح و دوستی، موذت، رأفت و مهربانی» است (علامه فلسفی، ۱۳۹۱: ۳۴). رنگ سبز «نماد ایمان، عقیده به رستاخیز و محشر است. همچنین سبز نشانه تقدیس و پاکی است.» (نیکویخت و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۸) رنگ سبز با ۶۸ بار تکرار، پرکاربردترین رنگ در دیوان *الأطفال* سلیمان عیسی است؛ در نمونه زیر شاعر با استفاده از رنگ سبز، روح امید به زندگی را در شعر خود می دمد:

افتح سَمِسمَ عَنِّ وَ عَلَّمْ نَحْنُ صِغَارَ
وَغَدًا نَكْبَرُ وَطَنًا أَخْضَرَ لِلْأَحْرَارِ

(۱۹۹۹: ۵۲)

(ترجمه: ای کنجد باز شو و بخوان و بدان که ما خردسالیم/ و فردا بزرگ می‌شویم در سرزمینی که برای آزادگان سرسبز (آباد) می‌شود.)

شاعر در این ابیات می‌خواهد، امید هر چه بیشتر را در دل کودکان بیافریند؛ به همین دلیل شعرش را سرشار از نشانه‌های امیدواری کرده است تا شور زندگی را ایجاد کند؛ حیاتی سرشار از امید در سایه وطنی آکنده از امنیت و آرامش. رنگ در اینجا، محور امید و نویدبخش شادی و آینده روشنی است که شاعر آن را به انتظار نشسته است؛ در این راستا در ادامه می‌گوید:

الحقل الأخضرُ صُنْعُ يَدِي وَأنا فـَـلـَاحٌ ... يا بَلـَدِي

(همان: ۵۵)

(ترجمه: مزارع سرسبز، ساخته دست من است و من همان کشاورزم ای سرزمینم!)

در شعر زیر، عیسی سرزمین خود را با رنگ سبز وصف کرده است تا دلالتی بر حاصلخیزی، فراوانی و خیر و برکت در آن داشته باشد:

«لِغِي يَنْفَسُ الْأَطْفَالَ/ فَبِكِ الْحُبِّ أَلوانا/ لِغِي نَحْضَرُ يا وَطَنِي/ دما كانت عطايانا/ وَتَحْتِ بيارِقِ الْأبطالِ/ سوفَ أعيشُ مثلاً أَيْ.» (همان: ۱۹۵)

(ترجمه: برای اینکه کودکان نفس بکشند/ در تو این عشق رنگین است/ تا اینکه سرسبز شوی ای سرزمینم/ خونمان را پیشکشت کردیم/ و در زیر پرچم قهرمانان/ همانند پدرم زندگی می‌کنم.)

در قصیده «البحر»، تغییر رنگ از هر رنگی به رنگ سبز، بیانگر استمرار حیات و امید است، با وجود اینکه زندگی، سخت و دردآور است (ر.ک: هزاع الزاهرة، ۲۰۰۸: ۱۷۹).

مِن مَوْجَةٍ زَرَقَاءَ تَأْتِي عَلَيَّ مَهْلٍ
وَمَوْجَةٍ خَضْرَاءَ فَارَتْ مِنَ السَّهْلِ

(همان: ۶۶۰)

(ترجمه: دریا چقدر شگفت‌انگیز است و موج چقدر دلپذیر/ دریا، دنیایی از سحر و شگفتی است و نعمت‌های آن را پایانی نیست/ از موجی آبی که به آرامی می‌آید/ و موجی سبز که از صحرا گریخته است.)

حضور پررنگ سبز در اشعار عیسی، از یک سو از علاقه او به این رنگ و نبوغش در به کارگیری آن خبر می‌دهد و از دیگر سو بر جذابیت و زیبایی اشعار او می‌افزاید؛ به طور کلی می‌توان مبنای کاربرد رنگ سبز در اشعار عیسی را در دو زمینه اصلی پیدا کرد: نخست عواطف انسانی و ویژگی‌های روحی شاعر و دوم عقاید و افکار سیاسی و اجتماعی او؛ در زمینه عواطف و روحیات شاعر، این رنگ جنبه بسیار مثبت داشته و با هدف شاعر که صلح و دوستی است، پیوندی ناگسسته دارد و در زمینه دوم که تبلور افکار سیاسی اوست، رنگ سبز، صورتی نمادین می‌یابد.

رنگ سبز در اشعار رحماندوست نیز پرکاربردترین رنگ است که شاعر ۴۳ بار آن را به کار گرفته است. وی از تأثیر رنگ سبز غافل نبوده و در شعر خود از آن بهره برده است:

«خانه سبز و کوچه سبز و آب، سبز / خنده لب‌ها برایم سبز بود / رنگ غم بر چهره‌ها هم سبز بود.» (۱۳۷۹: ۱۸)

شاعر در این نمونه با سبز جلوه‌دادن خانه، کوچه و آب، حس طراوت و شادابی را که برای کودک، خسته‌کننده و تکراری نیست، نشان داده و حتی رنگ غم را نیز با رنگ سبز به کار برده تا از اثر منفی غم در شعرش بکاهد.

من سبز سبزم مثل بهارم یک باغ شادی در سینه دارم

(همان: ۸)

در این قصیده شاعر با تشبیه کودک به سرسبزی و طراوت بهاری، حس شادی و شادمانی را برای کودک به‌ارمغان می‌آورد.

با خیال راحت عابراں درراه‌اند راه سبز خود را سبزتر می‌خواهند

(همان: ۱۲)

همان‌طور که در این ابیات دیده می‌شود، رحماندوست از لطافت، طراوت و شادابی رنگ سبز بهره گرفته و نگرش مثبتی را که تداعی‌کننده آرامش، صلح و دوستی است، برای کودکان به‌نمایش گذاشته است.

۲-۲-۲. رنگ آبی

رنگ آبی، «الهام‌بخش عواطف روحانی، معنوی، عرفانی و عامل وحدت، ایمان، انگیزه» (علامه فلسفی، ۱۳۹۱: ۳۱) است و از آن، به رنگ سکون و تعادل یاد می‌شود. «رنگ آبی، رنگی است که به شکلی استعاری، با آرامش آب و طبیعت آرام مرتبط می‌شود.» (علوی‌مقدم و پورشهرام، ۱۳۸۹: ۸۶) در شعر عیسی، آبی از بسامد خوبی برخوردار است و با واژگانی همچون آب، دریا، آسمان و کلماتی از این دست به کار رفته است. عیسی در قصیده «قوس قزح» می‌گوید:

«فِي قُبَّةِ السَّمَاءِ سَمَانِنَا الزَّرْقَاءُ / وَفَوْقَ أَرْضِ الْخَالِدِينَ / أَرْضِنَا الْخَضْرَاءُ / عَقَدْنَا عُرْسَ قَزَحٍ / نَصَبْنَا قَوْسَ قَزَحٍ / نَصَبْنَا قَوْسَ قَزَحٍ / بِأَيْدِي الصَّغَارِ / بِأَيْدِي الْكِبَارِ / بِأَيْدِي الْجِيلِ الْقَادِمِ / مِثْلَ أَغَانِي الْقَزَحِ.» (۱۹۹۹: ۲۶۷)

(ترجمه: در گنبد آسمان / آسمان آبی‌مان / بر فراز زمین جاودانه‌ها / سرزمین سرسبز ماست / مجلس شادمانی به‌راه انداختیم / و رنگین‌کمان را برپا کردیم / با دستان خردسالان / با دستان بزرگسالان / با دستان نسل آینده / به‌سان ترانه‌های شادی.)

شاعر در این ایات، سعی در ایجاد انگیزه و امید دارد؛ بنابراین آبی روشن را با آسمان آبی پیوند داده که با آرامش سازگار است؛ عیسی با بهره‌گیری از رنگ آسمان آبی، خرسندی و امید به آینده‌ای روشن همراه با پیروزی، آرامش و صلح را برای کشورش است به تصویر می‌کشد که البته همراه شدن رنگ سبز با آن این تصویرسازی و پیام‌رسانی را زیباتر جلوه می‌دهد؛ از این رو طبق نظریه لوشر، «رنگ آبی، سمبل آرامش ظاهری و تلاطم باطنی است که طعم آن شیرین است.» (۱۹۷۱: ۷۹)

عیسی همچنین در قصیده «البحر» با تصویر ذهنی‌ای که برای کودک ایجاد کرده، او را به آرامشی بی‌انتها دعوت می‌کند:

«سلاماً أَيْهَا الْأَرْزَقُ/ سلاماً أَيْهَا الْبَحْرُ/ أَحِبُّ الْمَوْجَ يَا بَحْرُ/ أَحِبُّ الرَّمْلَ مُبْتَلَاً/ وَ مَفْرُوشاً عَلَى الشَّطِّ.» (۱۹۹۹: ۷۱۷)

(ترجمه: سلام ای آبی نیلگون/ سلام ای دریا/ ای دریا موجت را دوست دارم/ ماسه‌های خیس و پهن شده بر ساحلت را دوست می‌دارم.)

رنگ آبی در شعر رحماندوست نیز از بسامد بالایی برخوردار است. این رنگ در مجموعه‌های رحماندوست ۳۶ بار به کار رفته است. رحماندوست نیز مانند عیسی از آسمان آبی در شعرش استفاده کرده که القاکننده آرامش و صلح برای کشورش است. رحماندوست در نمونه زیر، آرامش را به مخاطب خود القا می‌کند:

آب آبی است، آسمان آبی است / موج دریای بی کران آبی است
آبی آرامش است، خوشحالی است / بال‌بال پرندگان آبی است

(۱۳۷۹: ۱۳)

شاعر در این نمونه شعری از رنگ آبی کاربردی درست و به‌جا داشته و آرامشی را که مدنظرش شاعر بوده، به خوبی منتقل کرده است. رحماندوست در جای دیگر، رنگ آبی را به‌عنوان نماد امید، انگیزه، آرامش و نشاط به کار می‌برد:

«بر هر چهره یک لبخند آبی است/ پدر با برف و سرما در ستیز است/ و دستش بوته امید فرداست.» (همان: ۳۵)

تقابل لبخند آبی و بوته امید با برف و سرما تصویر بسیار زیبایی را آفریده است؛ دستان زمخت، خشن و یخ‌زده پدران، لبخند و امید به فردای بهتر را برای کودکان و جامعه به‌ارمغان می‌آورد.

در کل می‌توان گفت: عیسی و رحماندوست به آرامش ظاهری رنگ آبی و امیدبخشی و انگیزه‌آفرینی آن واقف بوده‌اند؛ بنابراین هر دو بسیار به آن اهمیت داده و پس از رنگ سبز، به‌عنوان دومین رنگ

پر کاربرد، از آن بهره جسته‌اند.

۲-۳. رنگ سیاه

«رنگ سیاه، رنگی است ساکت، ساکن و غیر محرک؛ این رنگ، سنگینی شدیدی را به انسان القا می‌کند و نماد انهدام، تاریکی، ظلمت و ترس است.» (علامه فلسفی، ۱۳۹۱: ۴۹) سیاه از رنگ‌های مهمی است که در فرهنگ‌های مختلف حضور زبانی و معنایی فعال دارد. در فرهنگ عرب این رنگ «رمز شر، بدی و مرگ است.» (الفیفی، ۱۹۹۷: ۱۵)

با توجه به آمار و ارقام ارائه‌شده، رنگ سیاه در شعر عیسی در مرتبه چهارم قرار دارد و با کلماتی همچون شب و... به کار رفته است. نمونه کاربرد این رنگ در شعر وی ابیات زیر در شعر «طفل من فلسطین» است:

«فِي لَيْلٍ أَسْوَدَ شُرِدْتُ/ عَنْ بَيْتِي الْغَالِي أُبْعِدْتُ/ لَا أَدْكُرُ كَيْفَ تَشَرَدْنَا.» (۱۹۹۹: ۱۲۷)

(ترجمه: در شبی سیاه آواره گشتم/ از خانه ارزشمندم دور شدم/ به یاد نمی‌آورم که چگونه آواره شدیم.)

شاعر در این ابیات، با بهره‌گیری از دلالت روحی رنگ سیاه، آوارگی، درد، رنج و اضطراب مردم مظلوم و بی‌پناه فلسطین را به زیبایی به تصویر کشیده است و عبارت پایانی این معانی را تقویت می‌کند.

در قصیده «نبیل الصغیر یحب اللعب» نوع استفاده شاعر از رنگ، با نمونه قبلی متفاوت است:

وَإِذَا مَا عُذْتُ إِلَى الدَّارِ وَعَوَّدًا لِلْمَامَا وَالْبَابَا
أَنْ أَغْسِلَ كُلَّ تُرَابِي كُلَّ سَوَادِي وَغُبَارِي

(همان: ۵۱۸)

(ترجمه: هنگامی که به خانه برگشتم/ به پدر و مادر قول دادم/ که تمام خاک‌ها و تمام سیاهی‌ها و گرد و غبارها را از خود بشویم.)

این نمونه شعری، به‌دوراز تحلیل‌های روان‌شناسی رنگ و دربردارنده پیام بهداشتی نظافت است که البته ذهنیتی را در کودک شکل می‌دهد که سیاهی نشانه کثیفی و آلودگی و رنگ مقابل آن یعنی سفیدی، نشانه پاک‌ی و تمیزی است.

رنگ سیاه در مجموعه‌های مورد نظر رحماندوست، نوزده بار استفاده شده است؛ بنابراین در مرتبه چهارم قرار می‌گیرد. او در اشعارش بیشتر سیاهی را همراه با سفیدی به کار برده است؛ وی این دو رنگ متفاوت و ضد هم را بی‌فاصله پشت سرهم آورده تا کودک مفهوم امید نهفته در رنگ سفید را در مقابل رنگ سیاه درک کند. نمونه چنین کاربردی در شعر رحماندوست ابیات زیر است:

«السُّونُ وِلسُونُ/ سرما و برف و بارون/ شب تاریکه، سیاهه/ باباش هنوز تو راهه.» (۱۳۸۵: ۱۴)

در این ابیات شاعر سفیدی برف را در کنار سیاهی شب به نمایش گذاشته است. طبق دیدگاه کوپر^۱ از نظر زیباشناسی، رنگ سیاه، بیشتر در مقابل رنگ سفید قرار می‌گیرد؛ زیرا این دورنگ در کنار هم زیبایی می‌آفریند و در چشم بیننده خوشایند به نظر می‌رسند (ر.ک: ۱۳۷۹: ۱۷۲). در این سروده رحماندوست، برف تداعی کننده رنگ سفید، در کنار تاریکی تداعی کننده رنگ سیاه، به کار رفته است؛ همچنین وی در قصیده «قهر و تنهایی» با زبانی کودکانه، اندوه و غم تنهایی را با رنگ سیاه، به زیبایی به تصویر می‌کشد:

«قاصدک جان، چه روزهای بدی است / روزهای سیاه تنهایی / شایدم از اینکه لااقل تو یکی / پیش من گاه گاه می‌آیی / دو سه روزی است، قاصدک جانم / دوستم قهر کرده، رنجیده.» (۱۳۷۹: ۳۰)

به‌طور کلی می‌توان گفت: به‌لحاظ بسامد عیسی در شعر خویش نسبت به رحماندوست کمتر از رنگ سیاه استفاده کرده است؛ وی از تأثیر منفی این رنگ بر خلقیات و روحيات کودک آگاه بوده است؛ ولی رحماندوست از این رنگ نسبت به عیسی بیشتر استفاده کرده که بیشتر در کنار سفیدی به کار گرفته شده و در بردارنده معنا و پیامی است که شاید گاهی دریافت آن برای کودک دشوار باشد.

۲-۲-۴. رنگ قرمز

رنگ قرمز از پر دلالت‌ترین رنگ‌هاست که تضاد در آن بسیار است؛ زیرا می‌تواند «رنگ شادی، اندوه، خشونت و نرمش باشد؛ اما ویژگی متمیّزه این رنگ، ارتباطش با خون است.» (حمدان، ۲۰۰۸: ۵۱) با این حال «از نگاه روان‌شناسان، رنگی زنده و پویا است؛ این رنگ همچنین نماد و سمبل زندگی و نیروی حیات، تهور، دلاوری در مبارزه طلبی برای پیروزی، نشانه کمال‌یابی، خشم، سلطه‌جویی و برتری‌جویی، غلیان و طغیان و عواطف و احساسات، نماد شور، عشق، حرارت و صمیمیت، نماد خون، شهادت و فداکاری است.» (علامه فلسفی، ۱۳۹۱: ۴۰)

بسامد حضور رنگ قرمز در شعر عیسی، بیانگر آن است که این رنگ در مرتبه پنجم در جدول بسامد انواع رنگ‌ها در شعر وی قرار می‌گیرد و با ترکیباتی چون درخشش قرمز و خون شهیدان به کار گرفته شده است. نمونه کاربرد این رنگ، ابیات زیر از قصیده «الاطفالُ یخاطبونَ شاعرَهُم» است:

«المجد للآتین / صغارك الآتین / من البروق الحمور / من السُّهول الحضر / ومن دم الشَّهید / والموقف العنید.» (۱۹۹۹: ۳۷۷)
(ترجمه: افتخار برای آیندگان و کودکان نسل فردا است که از برق‌های سرخ‌رنگ، از دشت‌های سبزرنگ و از خون شهید و ذلت‌ناپذیری در برابر دشمن سرچشمه می‌گیرد.)

عیسی در شعر «قوس قزح» از رنگ‌های رنگین کمان بهره می‌گیرد و این گونه می‌سراید:

«یا قوس قزح/ الأحمر لون دم الشهداء/ الأخضر لون الأولاد/ الأزرق لون سماء العز/ الأصفر زمل الأجداد.» (همان: ۲۶۹)
(ترجمه: ای رنگین کمان/ رنگ قرمزت رنگ خون شهیدان است/ رنگ سبزت رنگ فرزندانمان/ آبی‌ات به رنگ آسمان عزت ما/ زردت به رنگ خاک اجداد ما.)

دیدن رنگین کمان بارنگ‌های گوناگون برای کودکان بسیار لذت‌بخش و شادی‌آفرین است؛ از این رو شاعر برای بیان پیام و مقصود خود، هریک از رنگ‌ها را به یکی از مفاهیم مقدس تشبیه می‌کند تا ارزش آن‌ها را به کودکان نشان دهد؛ یکی از این رنگ‌ها، رنگ قرمز است که شاعر آن را به خون شهیدان تشبیه کرده است؛ ترکیب رنگ قرمز بارنگ‌های سبز، آبی و زرد تابلویی رنگارنگ را مقابل دیدگان کودکان ترسیم می‌کند که هر رنگ معنا و مفهوم خاصی را به کودک القا می‌کند؛ سبزی رنگ کودکان بدین معناست که وجود کودکان باید مایه خیر، برکت، آبادانی و حاصلخیزی میهن باشد، آبی بودن آسمان عزت، این پیام را انتقال می‌دهد که خون سرخ شهیدان و تلاش و پشتکار فرزندان، پاسدار شکوه، عزت و آرامش وطن است و رنگ زرد که پس از این بدان پرداخته می‌شود، رنگ ابدیت و جاودانگی نیاکان است که سربلندی را به ارث گذاشته‌اند؛ اما باید گفت رنگ قرمز باوجود اینکه در شعر عیسی، کاربرد چندانی ندارد؛ اما در چنین مواردی، مضمونی اجتماعی و مقدس به خود می‌گیرد و به‌طور عمده در مفاهیم نمادینی همچون ایثار، شهادت و جهاد در راه وطن، تبلور می‌یابد که این نمادها مد نظر شاعر بوده و از آن‌ها بهره جسته است. رنگ قرمز در شعر رحماندوست برخلاف شعر عیسی بسامد بالایی دارد؛ تاجایی که سومین رنگ پر کاربرد در شعر اوست. از مهم‌ترین کاربردهای رنگ قرمز در شعر رحماندوست می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

سرخ و خونین جامه، لاله‌هایی دارم / از توانستن‌ها، قصه‌هایی دارم
گرچه رنگارنگم، گرچه با صد نامم / وحدتی بی‌مرزم، امت اسلامم

(۲۷: ۱۳۷۶)

در این ابیات، لاله‌ها، استعاره از شهیدان و سرخ‌جامگی، کنایه از شهادت است و رحماندوست نیز همچون عیسی، رنگ قرمز را به‌طور نمادین برای بیان جلوه‌های شهادت، به کار برده است.

رحماندوست درجایی دیگر، رنگ قرمز را در معنایی غیر از آنچه بدان اشاره شد، به کار می‌برد و می‌گوید: «سرخ شد و زرد شد/ برگ درختان/ خسته شد و ایستاد/ بیچک بیچان سبز/ خنده به یک‌باره مرد/ بر لب خندان باغ/ باغ پر از نغمه‌ها/ پر شد از آوای زاغ/ رود روان خشک شد/ جوی دوان ایستاد.» (همان: ۱۶)
رحماندوست در این قصیده با ترکیب رنگ سرخ و زرد، آمدن فصل پاییز را خبر می‌دهد و فضایی سرشار از سردی، پژمردگی و اندوه را به‌نمایش می‌گذارد.

به‌طور کلی می‌توان گفت: رنگ قرمز با وجودی که در شعر رحماندوست نسبت به شعر عیسی بسامد بالاتری دارد؛ اما اینکه هردو شاعر، رنگ سرخ را رمز خون شهید می‌دانند و به آن معنایی مقدس می‌بخشند، از شباهت‌های این دو شاعر در استفاده از این رنگ است. نکته مهم دیگر این است که دو شاعر با آگاهی از این تحلیل روان‌شناختی که کودکان به سبب روح شاد و پرطراوت خویش، رنگ‌های زنده و مرکب را که در ترکیبی مناسب باهم قرار گرفته باشند، ترجیح می‌دهند. از ترکیب و تلفیق رنگ‌ها در شعر خود به‌درستی و زیبایی بهره برده‌اند و این ویژگی مثبت در شعر رحماندوست بسامد بالاتری دارد که به نمونه‌هایی از آن در تحلیل دیگر رنگ‌ها اشاره خواهد شد.

۲-۲-۵. رنگ سفید

رنگ سفید از رنگ‌های سردی است که احساس آرامش را ایجاد می‌کند و روشن و به‌طور معمول مثبت است و نماد پاکی به‌شمار می‌آید. این رنگ، «نماد برائت، عصمت، پاکی و خلوص، گرایش به معنویت و ارتباطات باطنی، عامل سکون، آرامش‌بخش و انبساط‌خاطر است» (علامه فلسفی، ۱۳۹۱: ۴۷). این رنگ که کاملاً در تضاد کامل با سیاه به کار می‌رود و «مفهوم معصومیت و امیدواری را تداعی می‌کند.» (دی و تیلور، ۱۳۸۷: ۱۰)

رنگ سفید در شعر عیسی در مرتبه سوم قرار دارد که بیانگر توجه وی به این رنگ است، نمونه کارکرد این رنگ در شعر عیسی، ابیات زیر از قصیده «لیلی والحمل» است:

«كَانَتْ لَيْلَى تَمْلِكُ حَمَلًا / صُوفٌ أبيضٌ مِثْلُ الثَّلَجِ / حِينَ يُعْطَى وَجْهَ المَرْجِ / كَانَتْ لَيْلَى تَمْلِكُ حَمَلًا / كَانَ الحَمَلُ يُرَافِقُ لَيْلَى.» (۱۹۹۹: ۶۸۵)

(ترجمه: لیلا بره‌ای داشت/ با پشم‌هایی سفید همچون برف/ آنگاه که علفزار را می‌پوشاند/ لیلا بره‌ای داشت/ بره، لیلا را همه‌جا همراهی می‌کرد.)

شاعر در این ابیات با بهره‌گیری از تشبیه پشم‌های سفید به پاکی و زیبایی برف، از نماد پاکی و جنبه مثبت این رنگ بهره گرفته و کودک را به مهربانی با حیوانات تشویق می‌کند.

«قَفَرُ الأَرْنَبِ / خَافَ الأَرْنَبُ / كُنْتُ قَرِيباً مِنْهُ العَبْ / أبيضُ أبيضُ مِثْلُ الثُّورِ / يَعْدُو فِي البُستانِ، يَدور.» (همان: ۵۳)

(ترجمه: خرگوش پرید/ خرگوش ترسید/ نزدیک او بازی می‌کردم/ سفید سفید بود همچون نور در باغ می‌دوید و می‌چرخید.)

رحماندوست رنگ سفید را دوازده بار در مجموعه‌های خود به کار برده است؛ بنابراین این رنگ در جایگاه ششم جدول بسامد انواع رنگ‌ها در شعر وی قرار می‌گیرد. نمونه کارکرد این رنگ، ابیات زیر است:

«اون چیه که سه رنگه/ سبز و سفید و قرمز، قشنگه/ باد که بیاد، توی هوا می رقصه/ گاهی تو دست بچه‌ها می رقصه/ در وسطش اسم خداست/ نشانه ایران ماست؟» (۱۳۸۶: ۲۰)

پرچم، نماد هر کشور است و رحماندوست با اشاره به رنگ سفید پرچم ایران در قصیده «اون چیه که اون کیه که» در واقع، ماهیت صلح‌طلبی و آرامش‌خواهی کشورش را به کودکان وطن معرفی می‌کند. این رنگ به‌طور معمول روشن و مثبت و نماد پاکی است و بسته به موقعیتش ممکن است دلالت‌های مختلفی از مثبت و منفی داشته باشد که در اینجا جنبه مثبت را بازگو می‌کند. رحماندوست در جای دیگر می‌گوید:

«نه رقص زرد و گرم کشتزاری/ نه آواز زلال جوی آبی/ نه بعب‌های سبز گوسفندی/ نه لبخند سفید آفتابی.» (۱۳۷۹: ۳۴)

شاعر در اینجا، طلوع دوباره آفتاب را که مظهر زندگی و رویش امید در میان جنبندگان است، به لبخند سفید تشبیه کرده که با تابش دوباره خود زندگی را هدیه می‌بخشد.

به‌طور کلی عیسی و رحماندوست، هر دو جنبه مثبت رنگ سفید را به کار گرفته‌اند. رنگ سفید در شعر هردو، رمز پاکی، بی‌گناهی، امید و آرزو است و میزان بسامد به کارگیری آن در شعر هر دو شاعر کمابیش به یک اندازه است که نوع نگرش مشابه دو شاعر را می‌رساند.

۲-۶. رنگ زرد

تأثیر گذارترین نقطه‌ای که در بدن انسان می‌تواند از رنگ زرد متأثر شود، ذهن آدمی است؛ تمامی فعالیت‌های ذهنی فرد به وسیله رنگ زرد به حرکت درمی‌آید. از طرفی این رنگ برای از بین بردن ناامیلات و ناامیدی مفید واقع می‌شود. «رنگ زرد، رنگ ابدیت و جاودانگی است؛ در فرهنگ عامه، ادب فارسی و در فرهنگ جهانی، رنگ رشک، خیانت، یأس، بلا و نومیدی است.» (نیکوبخت و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۹)

«رنگ زرد که از منظر روان‌شناختی به‌عنوان رنگ امید و فعالیت، توسعه‌طلبی، آسان‌گیری و یا تسکین و انبساط خاطر شناخته می‌شود و از منظر نمادین تداعی‌کننده گرمای دلپذیر نور آفتاب است.» (ویلنز، ۱۳۷۵: ۹۰)

از کم‌شمارترین رنگ‌ها در اشعار عیسی به‌شمار می‌آید؛ شاعر، در قصیده «أغنية للون الأصفر»، رنگ زرد را با تصاویر واقعی و ملموس آورده تا آن را به کودک بشناساند:

«اللون الأصفر أهواه/ أعرفت لماذا أهواه؟/ هو لون الحبز بإفطاري/ هو لون سريري في الدار/ أحلى العابي الصفرء/ فيها غسان و لمياء/ و حديقتنا، أهي منظر/ بحديقتنا الزهر الأصفر.» (۱۹۹۹: ۶۴۴)

(ترجمه: رنگ زرد را دوست دارم/ آیا می‌دانی چرا آن را دوست دارم؟/ آن، رنگ نان صبحانه‌هايمان است/ و رنگ تخم در خانه/ جذاب‌ترین عروسک‌های من غسان و لمياء، زرد هستند/ منظره باغ ما بسیار زیبا و نیکوست/ در باغ ما،

گل زرد وجود دارد.)

از آنجا که کودکان به رنگ‌های روشن و شفاف علاقه دارند، شاعر برای ایجاد آرامش، انبساط خاطر و رفع خستگی کودکان، اشیای واقعی را که کودک با آن سروکار داشته و آن را دوست دارد؛ مانند «نان، تخت، عروسک، باغ و گل» را بارنگ زرد تعریف و توصیف می‌کند؛ وی با این اسلوب زیبا و گیرا سعی دارد که کودک افزون بر شناخت رنگ، آن را حس کند.

اما عیسی گاهی همانند شعر زیر، جنبه منفی رنگ زرد را مورد توجه قرار داده است:

«مُدْ هَبْتُ رِيحَ صَفْرَاءَ/ جَعَلْتُ مِنْ أَرْضِ الْأَزْهَارِ/ مَرَعَى لِلْمَوْتِ، وَلِلنَّارِ/ غُرْبَاءَ جَاؤُوا بِالْبُغْضِ/ مِنْ شَتَّى الْأَرْضِ.» (همان: ۱۲۷)

(ترجمه: زمانی که باد زرد وزید/ شکوفه‌هایی در زمین پراکند/ چراگاهی است برای آتش و مرگ/ غریبان با بغض و کینه آمدند/ از مکان‌های گوناگون زمین هجوم آوردند.)

در این شعر، رنگ زرد درمقابل رنگ سبز نهفته در «أَرْضِ الْأَزْهَارِ»، جنبه منفی دارد؛ عیسی با توجه به معاشناسی رنگ زرد در فرهنگ جهانی و بهره‌گیری از «مفاهیم نمادین آن یعنی پژمردگی، اضطراب، غم و تنفر» (نیکویخت و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۹)، می‌خواهد وجود بیگانگان در سرزمینش را عامل سرخوردگی، ناامیدی و پژمردگی تلقی کند؛ شاید دلیل استفاده از رنگ زرد در چنین مواردی به این نکته برگردد که رخسار انسان به‌هنگام بیماری، زرد و برگ سبز درختان در پاییز به زردی می‌گراید؛ که این خود، نشانه پژمردگی است.

رنگ زرد در مجموعه‌های شعری رحماندوست چهارده بار تکرار شده است. «رنگ زرد افزون بر مفاهیم روشنی، برجستگی و برون‌گرایی، گاهی نماد پاییز است» (دی و تیلور، ۱۳۸۷: ۸۶). نمونه چنین کاربردی در شعر رحماندوست ایات زیر است:

رنگ‌هایی تازه کم‌کم جان گرفت سبز در سبز جهان پایان گرفت
آبی و زرد و سیاه آمد پدید بعد از آن چشم هزاران رنگ دید

(۱۳۷۹: ۱۹)

شاعر در ایات بالا از رنگ‌های مختلف بهره‌جسته که در این میان رنگ زرد نیز به چشم می‌خورد و بارزترین نشانه و رنگ فصل پاییز برگ‌ریز است؛ البته در این شعر، ترکیب رنگ‌ها و رنگارنگ جلوه‌دادن شعر، تصویری شاد برای کودک ایجاد می‌کند و القاکننده امید و زندگی به کودک است.

۳. نتیجه‌گیری

- از میان رنگ‌های به‌کاررفته مشترک در مجموعه اشعار دو شاعر، رنگ سبز و آبی پربسامدترین رنگ‌هاست.

- باوجود اینکه میزان به کارگیری رنگ سبز در دیوان الأطفال سلیمان عیسی نسبت به مجموعه‌های شعری رحماندوست بیشتر است اما هر دو شاعر از لطافت و طراوت رنگ سبز بهره گرفته و نگرش مثبتی را که القاکننده رویش، باروری، خیر و برکت برای جامعه است، برای کودکان آینده‌ساز به‌نمایش می‌گذارند.
- هر دو شاعر با آگاهی از آرامش، امیدبخشی و انگیزه‌آفرینی رنگ آبی، می‌خواهند آرامشی به عمق دریا و به پهنای آسمان در وجود کودک بیافرینند و آینده‌ای همراه با صلح و دوستی را به او نوید دهند.
- رنگ سیاه در شعر دو شاعر نماد تاریکی، اندوه، تباهی و ناامیدی است؛ عیسی برای به‌تصویر کشیدن آوارگی، رنج و اضطراب مردم فلسطین از آن بهره می‌گیرد و رحماندوست نیز غم و اندوه تنهایی را بارنگ سیاه تصویر می‌کند؛ عیسی با آگاهی از تأثیر منفی رنگ سیاه بر روحیه کودکان از این رنگ کمتر استفاده کرده و رحماندوست بیشتر می‌کوشد با آوردن رنگ سفید در کنار رنگ سیاه، از تأثیر منفی آن بر ذهن و روحیه لطیف کودکان بکاهد.
- رنگ قرمز با وجودی که در شعر رحماندوست نسبت به شعر عیسی از بسامد بالاتری برخوردار است؛ اما هر دو شاعر، رنگ سرخ را نماد خون شهید می‌دانند و برای بیان جایگاه والای شهید و خون او در حفظ استقلال و آزادی جامعه از آن بهره می‌گیرند. رنگ قرمز که سومین رنگ پر کاربرد در شعر رحماندوست است کاربردهای دیگری همچون نمایش جلوه‌های رنگارنگ پاییز هزار رنگ را در خود دارد.
- رنگ سفید در شعر دو شاعر رمز پاکی، بی‌گناهی و امید به آینده روشن است و میزان بسامد به کارگیری آن در شعر هر دو شاعر کمابیش به یک‌اندازه است که نوع نگرش مشابه دو شاعر را می‌رساند.
- عیسی در استفاده از رنگ زرد که کم‌کاربردترین رنگ در دیوان اوست به هر دو جنبه مثبت و منفی این رنگ توجه داشته است؛ این رنگ در اشعار عیسی، گاهی نماد امید، فعالیت، آرامش و انبساط خاطر و گاهی در تقابل بارنگ سبز، نماد پژمردگی، اضطراب و غم حاصل از حضور بیگانگان در کشورش است؛ رنگ زرد در اشعار رحماندوست بیشتر نماد پاییز است.
- عیسی و رحماندوست با آگاهی از این تحلیل روان‌شناختی که کودکان به سبب روح شاد و پرطراوت خویش، رنگ‌های زنده و مرکب را که در ترکیبی مناسب باهم قرار گرفته باشند ترجیح می‌دهند، از ترکیب و تلفیق رنگ‌ها در شعر خود بهره برده‌اند؛ البته این ویژگی مثبت در شعر رحماندوست بسامد بالاتری دارد.
- استفاده درست و مناسب از رنگ‌ها متناسب با تحلیل روان‌شناختی رنگ‌ها، دلالت‌ها و معانی مشابه در بهره‌گیری از رنگ‌ها در شعر هر دو شاعر نشان از آگاهی هر دو به ماهیت، ضرورت، اهمیت و اهداف شعر کودک و توجه ویژه آنان به آشناساختن کودکان با مفاهیم و ارزش‌های دینی، اخلاقی، مذهبی و ملی - میهنی دارد.

۴. پی‌نوشت‌ها

- (۱) سلیمان احمد عیسی شاعر معاصر سوری در خانواده‌ای روستایی در سال ۱۹۲۱ میلادی در منطقه‌ای به نام نعیریه واقع در شرق شهر انطاکیه به دنیا آمد؛ عیسی از سال ۱۹۶۷ به‌طور جدی به ادبیات کودک پرداخت و در حیران این سال به نوشتن دیوان

الأطفال مشغول شد که یکی از مهم ترین آثار او به شمار می آید؛ او درباره ورود به این حوزه می گوید: «شاعران ما از گذاشتن لبخند فرشتگان بر لبان یک کودک یعنی از سرودن شعری برای او و خجالت می کشند یا خودشان را از وارد شدن به این حوزه، بالاتر می بینند و این چنین است که ادبیات عربی ما با این تاریخ پرافتخارش، از شیرین ترین سرچشمه های آن، یعنی شعر واقعی برای کودک محروم است و خدا رحمت کند استاد احمد شوقی را که قبل از این، این راه را برای ما باز کرد.» (بقاعی، ۱۹۹۴: ۶۸) شاعر با همکاری همسرش، ملکه ایض، بسیاری از داستان ها و نمایش نامه های شاهکار ادبیات کودک و نوجوان جهان را برای کودکان و نوجوانان سوریه ترجمه کرد. در سال ۲۰۰۰، جایزه خلاقیت شاعرانه به او اهدا شد (ر.ک: نیک طلب، ۱۳۹۳: ۱۵۱). مهم ترین تألیفات او برای کودکان عبارتند از: دیوان های شعر *غنا یا أطفال*، *دیوان الأطفال*، *شعراؤنا یقدمون أنفسهم للأطفال*، و *اتل* *بیحث عن موطنه الكبير* که داستان زندگی خود شاعر به صورت شعر و نثر است و *مسرحیات غنائیة للأطفال* که مجموعه ای از نمایش نامه ها و حکایت ها است؛ همچنین او در زمینه نثر چندین قصه از میراث عربی با روایت جدیدی نوشته است؛ مانند *ابن الصحرای لیبک اینها المرأة، الحدت الحمراء، علی بابا وأربعین لصلاً و مصباح علاءالدین* (ر.ک: بقاعی، ۱۹۹۴: ۸۶).

عیسی احساسات و آرزوهای کودکان را از زبان کودکان بیان می کند؛ او در این راه آن قدر موفق بود که وی را به عنوان «شاعر بچه ها» می شناسند؛ ثمره نوع فکری و ادبی وی، زیباترین سروده ها و اشعار مخصوص کودکان است که پیوسته کودکان آن اشعار را به خاطر داشتن حکمت ها، ارزش احترام به پدر و مادر، عشق به وطن و انسان و فدکاری در راه آزادی، تکرار و حفظ می کنند (مسعود، ۲۰۱۲: ۱۸). سلیمان عیسی از شاعرانی است که معانی بلند و بزرگی را که به کار آینده سازان جامعه می آید، با کلماتی ساده و قابل فهم در قالب شعر به کودکان ارائه می دهد و افزون بر این، به دنبال ایجاد آرامش و لذت برای کودکان است (ر.ک: الهرفی، ۱۹۹۶: ۱۲۲).

(۲) مصطفی رحماندوست در نخستین روز تیرماه ۱۳۲۹ در همدان متولد شد. کلاس پنجم بود که به استعداد شاعری خود پی برد و اولین شعرش را در وصف مسافری که در حمام دیده بود، سرود. نخستین شعرهایی که رحماندوست حفظ کرد، مثنوی مولوی بود که به وسیله مادرش با آن آشنا شده بود. در دبیرستان به تشویق پدرش مدتی درس های حوزوی خواند. سال ۱۳۴۹ پس از گرفتن مدرک دیپلم در رشته ادبی به تهران رفت و دوره کارشناسی خود را در رشته ادبیات در دانشگاه تهران گذراند و سال ۱۳۵۲ دانش آموخته شد. وی سه سال بعد، به استخدام کتابخانه مجلس درآمد و دو سال و نیم پس از انقلاب اسلامی وارد صداوسیما شد و مدیریت برنامه کودک این سازمان را برعهده گرفت. رحماندوست در سال ۱۳۶۹ مقطع کارشناسی ارشد ادبیات را در دانشگاه آزاد اسلامی ادامه داد و در مراسم «هزاره فردوسی» دکترای افتخاری پژوهش ادبی را دریافت کرد. مصطفی رحماندوست در اواخر دوره دانشجویی اش با «ادبیات کودک و نوجوان» آشنا شد و تصمیم گرفت که در این حوزه فعالیت کند. او بیش از ۳۳ سال است که بی وقفه برای کودکان کار می کند. رحماندوست مسئولیت های اجرایی گوناگونی را پذیرفته که همه یا به نوعی در پیوند با ادبیات کودک و نوجوان بوده اند یا در مسیر رسمیت بخشیدن به آن قرار داشته اند (ر.ک: حداد، ۱۳۷۱: ۳۱).

منابع و مآخذ

- ابوعون، عبدالقادی (بی تا). *اللون وأبعاده فی العشر الجاهلی*. أطروحة للحصول علی الماجستير. غزة: جامعة التجاج.
- انصاری، نرگس (۱۳۸۹). *عاشورا در آئینه شعر معاصر*. چاپ اول، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- بقاعی، ایمان یوسف (۱۹۹۴). *سلیمان العیسی منشد العروبة والأطفال*. بیروت: دار الکتب العلمیة.

- حداد، حسین (۱۳۷۱). گلچهر: چهره‌های معاصر ادبیات کودکان و نوجوانان. جلد ۱، تهران: قدیانی.
- حمدان، احمد عبدالله محمد (۲۰۰۸). دلالات ألوان في شعر نزار قباني. أطروحة للحصول على الماجستير في اللغة. كلية الدراسات العليا. جامعة النجاح. نابلس، فلسطين.
- دی، جاناتان و لسلی تیلور (۱۳۸۷). روان‌شناسی رنگ. ترجمه مهدی گنجی. تهران: درسا.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۷۶). چشمه نور. تهران: کانون پرورش فکری کودکان.
- (۱۳۷۹). گل و لبخند سلام. تهران: کانون پرورش فکری کودکان.
- (۱۳۸۵). سه قدم دورتر شد از مادر. تهران: کانون پرورش فکری کودکان.
- (۱۳۸۶). اون کیه که اون چیه که. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- سیدحسینی، رضا (۱۳۷۶). مکتب‌های ادبی. چاپ دهم، تهران: نگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۶). صور خیال در شعر فارسی. چاپ نوزدهم، تهران: نشر آگه.
- علامه فلسفی، احمد (۱۳۹۱). اسرار روان‌شناسی رنگ‌ها (و خواص درمانی آن‌ها). چاپ اول، تهران: فراروان‌شناسی.
- علوی مقدم، مهیار و سوسن پورشهرام (۱۳۸۹). کاربرد نظریه روان‌شناسی ماکس لوشر در نقد و تحلیل شعر فروغ فرخزاد. پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، ۶ (۲)، ۸۳-۹۴.
- عیسی، سلیمان (۱۹۹۹). دیوان الأطفال. بیروت: دار الفکر.
- الفیفي، عبدالله (۱۹۹۷). الصورة البصرية لدى الشعراء العميان. الطبعة الأولى، ریاض: التادی الأدبی.
- کوپر، جی. سی. (۱۳۷۹). فرهنگ مصور نمادهای سنتی. ترجمه ملیحه کرباسیان. تهران: فرهاد.
- مسعود، بوعیسی (۲۰۱۲). التشكيل الموسيقي في شعر سليمان العيسى ديوان الجزائر نموذجًا. جامعة الحاج خضر. قسم اللغة العربية وآدابها.
- نیک‌طلب، پوپک (۱۳۹۳). سیر تحول ادبیات کودک و نوجوان در سوریه. مجله نقد کتاب کودک و نوجوان، (۳)، ۱۴۹-۱۵۴.
- نیکوبخت، ناصر و سیدعلی قاسم‌زاده (۱۳۸۴). زمینه‌های نمادین رنگ در شعر معاصر (با تکیه و تأکید بر اشعار نیما، سپهری و موسوی گرمارودی). نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، (۱۸)، ۲۰۹-۲۳۹.
- ویلز، پاولین (۱۳۷۵). رنگ‌درمانی. ترجمه مرجان فرجی. تهران: درسا.
- الهرفي، محمد (۱۹۹۶). أدب الأطفال دراسة نظرية وتطبيقية. القاهرة: دار الاعتصام.
- هزاع الزواهره، ظاهر محمد (۲۰۰۸). ألوان ودلالاته في الشعر. الأردن: دار حامد للنشر والتوزيع.

Reference

Luscher, M. (1971). *The Luscher Color Text: The Remarkable Test That Reveals Your Personality Through Color*. Trans: Ian Scott. New York: WSP/Pocket Books.



بحوث في الأدب المقارن (الأدبين العربي والفارسي)

جامعة رازي، السنته العاشرة، العدد ٢ (٣٨)، صيف ١٤٤١، صص. ١-١٨

تردد ووظيفة اللون الدلالية في شعر الأطفال لسليمان العيسى ومصطفى رحماندوست

عاطفه بيكي^١

المحاضرة في فرع اللغة العربية وآدابها، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة الحكيم السبزواري، سبزوار، إيران

حجة الله فسقري^٢

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة الحكيم السبزواري، سبزوار، إيران

القبول: ١٤٤١/٨/٢٩

الوصول: ١٤٤٠/٢/٢٦

الملخص

إنّ عنصر اللون من أهمّ عناصر الجمال التي تشكّل الصورة الفنية في الشعر؛ وإنّ شعراء الأطفال باستخدام الدلالات الرمزية التي تلهيها الألوان، يرسمون العالم للأطفال من منظريهم ويشركون في تفهيم العقلي، والتفسي، والاجتماعي. فلهذا إنّ هذا البحث يرمي إلى دراسة تردد وظيفة اللون ومكانتها في الصور الشعرية لسليمان العيسى ومصطفى رحماندوست ليجد المشابهات والمفارقات الموجودة في استخدام الألوان وفكرة الشعراء في استخدامها ودلالاتها في شعرهما؛ فقد دلّت نتائج البحث على أنّ اللون الأخضر أكثر الألوان تكراراً واستعمالاً في شعرهما بحيث أنّهما باستخدام اللون الأخضر يصوِّرون للطفل الفكرة الإيجابية التي توحى الحياة والخصوبة والخير والتفاؤل؛ وأنّ هذين الشعراء يستعملان مزج أو خلط الألوان لهما بأنّ الأطفال بسبب روحهم المبتهجة المتعشّة المليئة بالحياة يستقبلون ويرتجون الألوان المتنوعة التي مُزجت أحسن مزج إلا أنّ هذه الميزة في شعر رحماندوست أكثر تكراراً واستعمالاً منه في شعر العيسى؛ وأنّ توظيف اللون لديهما توظيفاً متناسباً مع التحليل التفسي للألوان ووجود الدلالات والمعاني المشابهة في شعرهما، يسفران عن إلمام الشعراء بمهارة وضرة، وأهمية وأهداف الشعر الطفولة واهتمامهما الكبير بتعريف الأطفال القيم الدينية والخلقية والوطنية.

المفردات الرئيسية: الأدب المقارن، اللون، شعر الأطفال، الوظيفة الدلالية، سليمان العيسى، مصطفى رحماندوست.